

پیش از «بله»، از دواج فقط انتخاب یک نفر نیست؛ انتخاب نوعی از زندگی است



من یک پدرم. طبیعی است که دلم بخواهد روزی فرزندم را در جشن ازدواجش ببینم؛ خوشحال باشم، زندگی جدید نتیجه انتخاب خودش باشد و من با دل آرام او را به سمت زندگی خودش بدرقه کنم. اما اگر روزی به من بگویند: «بابا، می‌خواهم ازدواج کنم»، چگونه عکس العمل نشان بدهم؟ سستی یا مدرن؟ شاید پیش از اینکه بپرسم «چه کسی را انتخاب کرده‌ای؟» بپرسم: «می‌دانی با انتخاب این آدم، چه نوع زندگی‌ای را انتخاب می‌کنی؟» این سؤال ضد ازدواج یا ضد عشق نیست؛ شاید برعکس، جدی گرفتن ازدواج باشد. ما زیاد درباره انتخاب همسر حرف می‌زنیم و کمتر درباره انتخاب زندگی مشترک. انگار دوست داشتن برای ساختن زندگی کافی است؛ در حالی که زندگی مشترک تازه بعد از انتخاب آغاز می‌شود. وقتی درباره ازدواج جوانان حرف می‌زنیم، معمولاً می‌پرسم «چرا ازدواج نمی‌کنند؟» شاید سؤال مهم دیگری هم وجود داشته باشد:

«جوان امروز چگونه انتخاب می‌کند؟»

یکی از ازدواج‌های ناموفق اطرافیانم می‌ترسد، دیگری نگران آینده اقتصادی است، یکی از خانواده می‌ترسد و جوانی هم کسی را دوست دارد اما نمی‌داند این رابطه قرار است به ازدواج برسد یا سال‌ها در ابهام باقی بماند. در کنار این روایت‌ها، جوانانی هم هستند که از انتخاب خود و زندگی مشترکشان رضایت دارند؛ کسانی که از شناخت، گفت‌وگو، همراهی، تفاهم و پذیرفتن تفاوت‌ها می‌گویند. پس نمی‌شود برای همه یک پاسخ ساخت.

پیش از «بله»، واقعاً چه چیزی را انتخاب می‌کنیم؟

آدمی را که دوست داریم؟ تصویری را که از او ساخته‌ایم؟ یا زندگی‌ای را که تصور می‌کنیم در کنار او خواهیم داشت؟ عشق مهم است، اما عشق به تنهایی شناخت نیست. ممکن است کسی را عمیقاً دوست داشته باشیم و هنوز چیزهایی درباره او ندیده باشیم. از طرف دیگر، هر مخالفت خانواده‌ای هم الزاماً درست نیست. خانواده ممکن است از سر نگرانی حرف بزنند، اما ممکن است پیش‌داوری، حرف مردم یا تصور خودش از آینده فرزند را هم وارد تصمیم‌گیری‌هایش بخشد. مخالفت به معنای پذیرفتن آن نیست؛ همان‌طور که دوست داشتن یک نفر هم نباید به معنای نشیندن هیچ صدای دیگری باشد. شاید سؤال «چرا این آدم؟» شروع خوبی باشد، اما سؤال مهم‌تر این است:

«این آدم برای چه نوع زندگی‌ای مناسب است؟»

در خشم چگونه رفتار می‌کنی؟ هنگام اختلاف چه می‌کنی؟ یا پول و مسئولیت چگونه برخورد دارد؟ نگاهش به خانواده، کار، فرزند، استقلال و آینده چیست؟ ممکن است یک نفر انسان خوبی باشد، اما برای نوع زندگی‌ای که طرف مقابل می‌خواهد، انتخاب مناسبی نباشد. مسئله همیشه خوب یا بد بودن آدم‌ها نیست؛ گاهی دو نفر با وجود علاقه، نمی‌توانند زندگی مورد انتظارشان را در کنار هم بسازند. هم‌گفت‌وگو بودن هم به معنای شبیه هم بودن نیست. تفاوت‌ها می‌توانند در یک زندگی مشترک وجود داشته باشند؛ به شرطی که درباره مسائل مهم، امکان گفت‌وگو و همراهی وجود داشته باشد. یک سؤال دیگر: «من برای این آدم چه نوع همسری خواهم بود؟» ما گاهی دنبال «همسر خوب» می‌گردیم، بدون اینکه از خودمان بپرسم آیا برای زندگی مشترک آماده‌ایم یا نه. همه رابطه‌ها هم قرار نیست به ازدواج برسند. ممکن است دو نفر مدتی با هم آشنا شوند و بعد بفهمند برای زندگی مشترک مناسب یکدیگر نیستند. این هم بخشی از انتخاب است. اما رابطه‌ای که از مرحله علاقه عبور کرده و به آینده مشترک رسیده، نباید ماه‌ها و سال‌ها در ابهام بماند. خانواده‌ها هم در این مرحله نقش دارند؛ نه برای تصمیم گرفتن به جای جوان، برای فراهم کردن امکان گفت‌وگو.

گاهی «بله» و «نه» هر دو از بالاتکلیفی‌های بهترند. رابطه‌ای که نه به سمت تعهد می‌رود و نه پایان

روشنی دارد، می‌تواند به دلیل علاقه، عادت، ترس از تنهایی یا امید به «شاید بعداً» ادامه پیدا کند. اما هرچه زمان می‌گذرد، وابستگی بیشتر می‌شود و بیرون آمدن دشوارتر.

آزادی انتخاب، بدون مسئولیت انتخاب معنا ندارد

زندگی مشترک هم با مراسم ازدواج شروع نمی‌شود. بعد از عکس‌ها، تبریک‌ها و جشن، کار، خستگی، هزینه، اختلاف نظر، خانواده‌ها و مسئولیت‌ها وارد زندگی می‌شوند. دو نفر ممکن است یکدیگر را دوست داشته باشند، اما برای هم وقت نداشته باشند. پس سؤال فقط این نیست که: «با چه کسی زندگی کنم؟» بلکه:

«قرار است چگونه با او زندگی کنیم؟»

اقتصاد هم واقعیتی است که نمی‌شود نادیده گرفت؛ مسکن، اشتغال، درآمد و هزینه‌های شروع زندگی. اما باید میان هزینه‌های واقعی زندگی و هزینه‌های نمایش زندگی تفاوت گذاشت.

برای شروع زندگی چقدر لازم داریم و برای نمایش شروع زندگی چقدر هزینه می‌کنیم؟

ازدواج هم قرار نیست راه فرار از تنهایی یا مشکلات شخصی باشد. دو انسان واقعی، با ضعف‌ها و

تفاوت‌هایشان وارد زندگی مشترک می‌شوند. اینجاست که رسانه هم سهم خودش را دارد. جوان، تصویر ازدواج را فقط از خانواده نمی‌گیرد. فیلم و سریال، شبکه‌های اجتماعی، دوستان و روایت‌های اطرافیان هم در ساختن این تصویر نقش دارند. اما رسانه همه زندگی را نشان نمی‌دهد. یک عکس از جشن یا سفر، فقط بخشی از زندگی است؛ همان‌طور که چند ازدواج ناموفق اطراف ما هم تمام واقعیت ازدواج نیست. تکرار یک روایت، آن را به واقعیت آماری تبدیل نمی‌کند. رسانه قرار نیست به جای جوان انتخاب کند. وظیفه مهم‌ترش می‌تواند نشان دادن واقعیت کامل‌تر باشد؛ امید در کنار دشواری، عشق در کنار مسئولیت و آغاز در کنار ادامه مسیر. اگر فقط از ازدواج موفق بگوییم، بخشی از واقعیت حذف می‌شود و اگر فقط شکست‌ها را نشان دهیم، ترس جای شناخت را می‌گیرد. پس شاید فرهنگ‌سازی درباره ازدواج، بیشتر از تبلیغ یک تصمیم، به فراهم کردن زمینه یک انتخاب آگاهانه نیاز داشته باشد. آگاهانه انتخاب کردن یعنی بدانیم چه چیزهایی را می‌دانیم، چه چیزهایی را نمی‌دانیم و درباره چه چیزهایی باید بیشتر فکر کنیم.

هیچ‌کس نمی‌تواند آینده یک ازدواج را تضمین کند؛ اما می‌توان پیش از «بله»، سؤال‌های بهتری پرسید: آیا این دو نفر فقط یکدیگر را دوست دارند یا می‌توانند نوع زندگی مورد انتظارشان را هم بسازند؟ آیا تفاوت‌هایشان قابل گفت‌وگو است؟ آیا خانواده‌ها می‌توانند همراه باشند؟ آیا اقتصاد زندگی دیده شده یا فقط هزینه جشن؟ آیا برای روزهای بعد از ازدواج، به اندازه روز ازدواج فکر شده است؟ و شاید مهم‌تر از همه:

آیا هر دو نفر، با چشم باز انتخاب می‌کنند؟ من هنوز همان پدرم که دوست دارد روزی فرزندش را در جشن ازدواجش ببیند و با دل خوش او را بدرقه کند. و این را حق فرزندم میدانم تا یک زندگی توأم با عشق و محبت را جدای از خانه پدری در خانه همسر تجربه کند. اما شاید آرزوی یک پدر فقط دیدن روز ازدواج فرزندش نباشد؛ دیدن روزهایی باشد که بعد از آن می‌آیند. چون ازدواج، انتخاب یک روز نیست؛ انتخاب مسیری از زندگی است. و پیش از آن «بله» کوتاه، شاید ارزش داشته باشد لحظه‌ای مکث کنیم و بپرسم: دقیقاً چه چیزی را انتخاب می‌کنیم؟ دکتر حمیدرضا عمادی

رئیس شورای شهر:

روند افزایش پیری در یزد نگران‌کننده است

رئیس شورای اسلامی شهر یزد گفت: طبق اعلام بهزیستی ۱۲ درصد جمعیت استان را سالمندان تشکیل می‌دهند و روند افزایش این آمار نیز بسیار بالا بوده و به زودی به ۱۴ درصد خواهد رسید که با عنوان بحرانی نگران‌کننده این استان را تهدید کرده و توسط مسئولان باید از الان برای آن برنامه ریزی شود. به گزارش ایرنا، عزیزالله سیفی، در یکصد و بیست‌مین جلسه علنی شورای اسلامی شهر یزد افزود: طبق اعلام ارگانهای مسئول، افزون بر ۱۰ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر یعنی ۱۴ درصد

انجام شد اما همچنان باید مناسب سازی فضای شهری برای سالمندان در دستور کار جدی قرار گیرد و اماکنی مثل بوستان ها، پارک ها، پیاده روها و اماکن شهری برای تردد سالمندان آماده و بهسازی شود. یزد افزود: باید توسعه فضای سبز شهری نیز مورد توجه شهرداری بوده و باید شرایطی فراهم شود تا سالمندان بتوانند بیشترین استفاده را از فضای سبز داشته باشند. همچنین باید برنامه های فرهنگی اجتماعی و ورزشی برای استفاده از تجربیات سالمندان افزایش یابد.

سالمندان استان یزد را زنانی که متأسفانه تنها زندگی می کنند تشکیل می دهند و علت مطرح شدن این موضوع در نطق پیش از دستور امروز اینجانب نیز جلب توجه مسئولان استان و شهرداری یزد برای توجه به موضوع سالمندی و برنامه ریزی لازم از الان است. سیفی ادامه داد: شهرداری و شورای اسلامی شهر یزد باید به این نکات توجه کنند و انتظار داریم در کمیسیون فرهنگی و خانواده به این موضوع پرداخته شود و هر چند در سالهای گذشته به عنوان شهر دوست دار سالمند اقداماتی زیادی